

**به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین**



**ادبیات فارسی
پایه هفتم
شعر « ستایش »**

**مدرّس : شیرین عباباها
دبیرستان گل های خرد**

ستایش



- ▶ نظامی گنجوی
- ▶ حکیم ابو محمد یوسف ، شاعر نامدار ایرانی معروف به نظامی در شهر گنجه از شهرهای جمهوری آذربایجان به دنیا آمد . در جوانی به تحصیل ادب ، قصص و تاریخ همت می گماشت .
- ▶ داستان پردازی در منظومه های او به اوج رسید .
- ▶ آثارش عبارت اند از : مخزن الاسرار ، لیلی و مجنون ، خسرو و شیرین ، هفت پیکر ، اسکندرنامه

تَحْمِيدِيَّة :

شاعران و نویسندگان ، همواره در آغاز آثار خود
به حمد و ستایش خداوند و توصیف عظمت او
می پردازند . به این نوشته ها ، « تحمیدیّه »
گفته می شود .

شعر « ستایش » از نظامی گنجوی ، نوعی
تحمیدیه محسوب می شود .

قالب شعر : مثنوی

محتوای شعر :

حمد و ستایش خداوند - توصیف

عظمت و بزرگی خداوند

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو ، نامه کی کنم باز ؟

معنی بیت : ای خدایی که نام تو بهترین سرآغاز برای هر کاری است . من بدون نام و یاد تو ، این کتاب را شروع نمی کنم

تعداد جملات : ۳ جمله

ردیف : -

قافیه ها : سرآغاز ، باز

**سرآغاز = اول هر چیزی ، شروع
نامه = در این جا به معنی « کتاب »**

**در مصراع اول ، « منادا » حذف شده است
ای : حرف ندا
خدایی که : منادا (حذف شده)**

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

**معنی بیت : ای خدایی که یاد تو همدم و مونس
روح من است ، من فقط تو را ستایش می کنم و
نام تو را بر زبان می آورم**

**مونس = همدم ، یار
روان = روح ، جان**

**تعداد جملات : ۳ جمله
ردیف : -**

قافیه ها : روانم ، زبانم

هم خانواده ها : مونس : اُنس ، آنیس

**در مصراع اول ، « منادا » حذف
شده است
ای : حرف ندا
خدایی که : منادا (حذف شده)**

ای کارگشای هرچه هستند نام تو ، کلید هرچه بستند

معنی بیت : ای خدایی که برطرف کننده مشکلات موجودات هستی ، نام تو مانند کلیدی است که همه مشکلات و گرفتاری ها را حل می کند .

تعداد جملات : ۲ جمله

ردیف : -

قافیه ها : هستند ، بستند

کارگشا = برطرف کننده مشکلات

، آسان کننده کارها

آرایه های ادبی :

جناس : هستند ، بستند

تشبیه : (مشبّه : نام تو // مشبّه به : کلید)

ای هست کنِ اساس هستی کوته ز دَرَت ، درازدستی

معنی بیت : ای آفریننده جهان هستی ، در درگاه تو به کسی ظلم نمی شود

تعداد جملات : ۲ جمله
ردیف : -
قافیه ها :
هستی، درازدستی

هست کن = آفریننده ، به وجود آورنده
اساس = پایه ، بنیاد
کوته = مخففِ کوتاه
درازدستی = ستمگری ، زورگویی

آرایه های ادبی :

کنایه : مصراع دوم کنایه از این که ظلم و ستم به درگاه تو راه ندارد

هم قصّه نانموده دانی هم نامه نانوشته خوانی

معنی بیت : خداوندا ، تو از تمام قصّه های آشکار نشده و نامه های نوشته نشده ، آگاه و باخبر هستی .

نانموده = آشکار نشده
نانوشته = نوشته نشده

تعداد جملات : ۲ جمله
ردیف : -
قافیه ها : دانی ، خوانی

هم خانواده ها :
قصّه : قصص (جمع قصّه)

هم تو به عنایت الهی آن جا قدم رسان که خواهی

معنی بیت : خدایا ، با لطف و محبت خودت ، مرا به آن مقام و جایگاهی برسان
که می پسندی و صلاح می دانی

تعداد جملات : ۲ جمله
ردیف : -
قافیه ها : الهی ، خواهی

عنایت = توجه ، لطف ، احسان

رِسان = برسان (فعل امر)

از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

معنی بیت : خدایا ، مرا از جهل و گمراهی نجات بده و مرا با نور
معنوی خودت آشنا کن

آرایه های ادبی :
تضاد : ظلمت ، نور

تعداد جملات : ۲ جمله

ردیف : ده

قافیه ها : رهایی ام ، آشنایی ام

هم خانواده :
ظلمت : ظلم ، ظالم ، ظلمانی

نقش ضمیر « مَ » در « رهایی ام
و آشنایی ام » ، مفعول است و
جهش ضمیر دارد .

ظلمت = تاریکی

در این شعر ، منظور از « ظلمت »
، نادانی و گمراهی است

منظور از « خود » در مصراع اول ، « انسان » و در مصراع دوم ،
« خداوند » است .

خواجه عبدالله انصاری



- ▶ خواجه عبدالله انصاری معروف به
- ▶ « پیرهرات » در قرن پنجم در هرات به دنیا آمد .
- ▶ در جوانی ، علوم دینی و ادبی را فراگرفت . به عربی و فارسی شعر می سرود .
- ▶ نثر خواجه ، آهنگین (مسجع) است .
- ▶ از آثار او می توان به « مناجات نامه » و « الهی نامه » اشاره کرد .

الهی ، دلی ده که در کار تو جان بازیم ؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم

معنی : خدایا ، به ما شهامت بده تا جان خود را در راه تو فدا کنیم. نیرو و جانی به ما بده تا کارهایی را انجام بدهیم که آخرت ما را بسازد .

**« جان باختن » کنایه از « جان را فدا کردن »
« دل » مجاز از « شهامت »**

الهی : نقش دستوری « منادا » دارد

منظور از « آن جهان » ، « جهان آخرت » است

دانایی دِه که از راه نیفتیم ، بینایی دِه تا در چاه نیفتیم

معنی : خدایا ، به ما آگاهی بده تا از راه راست منحرف نشویم و بصیرت و بینشی به ما بده تا گمراه نشویم .

آرایه های ادبی :

جناس : راه ، چاه

کنایه : « از راه نیفتادن » و کنایه از « گمراه نشدن »

کنایه : در چاه نیفتادن ، کنایه از « گرفتار نشدن »

دِه : مخفّف فعلِ « بده »

دِه : فعل امر

**هم خانواده ها :
بینایی : بینا ، بینش ، دیدن**

**دست گیر که دست آویز نداریم ؛ توفیق ده تادر دین
استوار شویم .**

**خدایا ، ما را یاری کن زیرا به جز تو ، کمک کننده و یاری گری نداریم و موافقت و
همراهی کن تا در دین ، محکم و پایدار باشیم**

آرایه های ادبی :

**کنایه : « دست کسی را گرفتن »
کنایه از « کمک و یاری کردن به او »**

**دست آویز = آن چه از آن کمک
می گیرند ، یا به آن پناه می برند
توفیق = سازگاری ، موافقت (یاری
رساندن خداوند به کسی)
استوار = محکم ، پابرجا**

**هم خانواده ها :
توفیق : موافقت ، موفق ، توافق**

نگاه دار تا پریشان نشویم

معنی : خدایا ، مراقب باش تا پریشان و آشفته حال نشویم

نگاه دار : فعل امر است

نگاه مهربان خداوند

همراه همیشگی

زندگی تان باد

